

عنوان بخش

اصول و مبانی برنامه ریزی درسی

Ph.D

برنامه درسی و نسبت آن با سایر رشته‌های علوم تربیتی

■ اصطلاح برنامه درسی ریشه در واژه لاتین currere دارد که به معنای میدان مسابقه یا میدانی برای دویدن است و این جنبه تمثیلی و استعاری دارد و دو ویژگی برنامه درسی را روشن می‌سازد منفعت اینکه برنامه‌های درسی همچون میدان مسابقه آغاز و پایان مشخص و تعریف شده‌ای دارد و در حین ویژگی قابل استنباط از واژه برنامه درسی با عنایت به ریشه لغوی آن این است که همچون موانعی که در مسیر مسابقه فراهم شده و عبور از آن‌ها به طور فزاینده دشوارتر می‌شود؛ برنامه‌های درسی نیز به طور پیش‌رونده دشوارتر می‌شوند.

■ تعریف برنامه درسی متناسب با وجوه تمثیلی و ریشه لغوی این واژه معرف برداشت صفتی از برنامه درسی است و مجموعه‌ای از تصمیمات در سند برنامه درسی منعکس می‌شود.

■ **درباره عناصر یا اجزاء برنامه درسی میان صاحب‌نظران برنامه درسی به هیچ روی اتفاق نظر وجود ندارد و این عناصر شامل ۹ عنصر می‌گردد که عبارتند از:** هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی. رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه برنامه درسی را شامل، چهار عنصر هدف‌ها، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی قلمداد می‌کند.

تعریف پیشرفت‌گراها از برنامه درسی:

■ برنامه درسی عبارت است از تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان. پیشرفت‌گراها تصمیم‌گیری دیگران برای دانش‌آموزان را به طور کلی مردود شمرده و یا برای آن‌ها اهمیت ثانوی قائل‌اند.

نکات برتر

- ① پیشرفت‌گراها برنامه درسی را در واقع محصول ارزشیابی همه جانبه از نتیجه رویایی دانش‌آموزان با فرصت‌ها و موقعیت‌های یادگیری می‌داند که طبعاً برای همه دانش‌آموزان نیز یکسان نیست.
- ② بنابراین به دیگر سخن تعریف اول محصول مرحله برنامه‌ریزی را که همان سند مکتوب یا یک برنامه درسی است، عین برنامه درسی معرفی می‌کند و تعریف دوم به جای مرحله برنامه‌ریزی بر مرحله ارزشیابی از آموخته‌ها تأکید داشته است و یک برنامه درسی را عین تجربه‌های یادگیری کسب شده اعم از تجربه‌های منطبق بر جهت‌گیری‌های از پیش تعیین شده یا تجربه‌های قصد نشده می‌داند.

✓ **آی‌زدر:** برنامه درسی یک مدرسه یا یک درس یا یک کلاس درس را می‌توان مجموعه‌ای از وقایع از قبل پیش‌بینی شده دانست که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی تربیتی برای یک یا بیش از یک دانش‌آموز در نظر گرفته شده‌اند.



✓ چهار ویژگی برنامه درسی از دید آیزنر:

✓ برنامه درسی با فعالیت برنامه‌ریزی همراه است هر چند که این تصمیمات می‌تواند به شکل منعطف و غیر قطعی باشد.

✓ قصد برنامه‌ریزان یا ماهیت سند برنامه درسی باید آموزشی- تربیتی باشد یعنی ریشه در یک چهارچوب ارزشی یا اندیشه تربیتی خاص داشته باشد.

✓ برنامه درسی با نتایج یادگیری سروکار دارد و نه تنها با هدف‌های از پیش تعیین شده.

✓ برنامه درسی یک واقعه نیست و اغلب باید مجموعه‌ای از تدبیرها و وقایع را دربرگیرد.

■ بوشامپ معتقد است برنامه درسی می‌توان معنی‌های گوناگون داشته باشد و هر کدام از این معانی تعریف خاصی را ایجاب می‌کند.

■ **وی سه فضا برای برنامه درسی طرح می‌کند و معتقد است در پرسش از اینکه برنامه درسی چیست باید نخست روشن کرد کدامیک از صافی برنامه درسی مورد نظر است:**

✓ نخستین فضای برنامه درسی همان معنای برنامه درسی به عنوان سند مکتوب با یک برنامه درسی است.

✓ اولین فضای برنامه درسی نظام برنامه درسی درسی یا «مهندسی برنامه درسی» است که شامل اجزای سه‌گانه تولید یا تدوین اجرا و ارزشیابی از برنامه است.

✓ سومین فضای برنامه درسی قلمرو مطالعاتی است که دارای ابعاد موضوعات، وسعت مفهومی خاص با ساختار محتوایی می‌باشد.

نکات برتر

- 1 گودلد معتقد است نسبت به وجود یک قلمرو معرفتی به نام برنامه درسی نمی‌توان تردید به خود راه داد اما در تعیین چیستی این قلمرو با مشکلات مواجه‌ایم.
- 2 قلمرو برنامه درسی را بایستی یک قلمرو بی‌شکل دانست.

رابطه میان رشته‌های برنامه درسی با سایر رشته‌های علوم تربیتی:

■ رابطه بین رشته برنامه درسی و رشته طراحی آموزشی یا آموزشی: بحث در این زمینه قدمتی برابر رشته برنامه درسی دارد.

✓ **رابطه میان رشته برنامه درسی و رشته برنامه‌ریزی آموزشی = قلمرو برنامه‌ریزی آموزشی و موضوع آن:** این قلمرو معطوف به هدف‌های کمی برای نظام آموزشی در سطح مختلف از خرد تا کلان و ارزیابی میزان تحقق آن‌ها از منظر کمیته‌هاست.

✓ **قلمرو برنامه درسی و موضوع آن:** این قلمرو معطوف به کیفیت‌ها، هدف‌های کیفی، تربیتی و آموزشی، در نظام آموزشی در سطوح مختلف است.

نکات برتر

- ① برنامه‌های درسی ترجمان هدف‌های آموزشی و تربیتی نظام آموزشی و مهم‌ترین ابزار تحقق این هدف‌ها است.
- ② رشته برنامه درسی با رشته‌های طراحی آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت ارتباط دارد.
- ③ برنامه درسی و آموزشی هر دو می‌توانند تصمیم‌گیری در سطح خرد تا کلان را دربرگیرند.
- ④ آنچه را که در کلاس درس بایستی اتفاق بیفتد را تحت عنوان برنامه‌ریزی درسی و آنچه را که در خارج از کلاس درس در سطح مدرسه اتفاق می‌افتد را برنامه‌ریزی آموزشی یاد کرده‌اند.

☑ **رابطه میان رشته برنامه درسی و رشته فلسفه تعلیم و تربیت:** ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌ها در واقع نظریه‌های فلسفی برنامه درسی‌اند که هر کدام جهت‌گیری‌های خاص را برای برنامه درسی توصیه و توجیه می‌کنند.

■ **برنامه درسی و آموزش: حوزه‌های علمی مستقل یا...؟** قلمرو برنامه درسی را باید متعلق به اوایل قرن بیستم دانست.

مفهوم برنامه درسی:

- برنامه درسی را می‌توان یک سند مکتوب در نظر گرفت که دربردارنده‌ی مجموعه تصمیماتی است که در خصوص برنامه درسی، پیش از آنکه اجرا شود گرفته می‌شود؛ تلقی رایج از برنامه درسی نیز چنین است.
- همچنین برنامه درسی را می‌توان یک حوزه تخصصی یا علمی در نظر گرفت که این نیز شامل موضوعات یا اجزاء و ابعادی مختلف است.

برنامه درسی، یک سند مکتوب و رابطه آن با آموزش (تدریس):

☑ **دیدگاه‌های ناظر به عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی پنهان در رابطه با برنامه درسی به عنوان یک سند مکتوب:**

الف) برنامه درسی به عنوان سد مکتوب هیچ‌گونه ارتباطی با جریان آموزش ندارد و این دو حوزه را باید کاملاً مستقل از هم قلمداد کرد.

نکات برتر

- ① **بوشامپ** صاحب کتاب نظریه برنامه درسی اعتقاد دارد که برنامه درسی یک سند مکتوب، درون داد نظام آموزشی است و این دو را باید خرده نظام مستقل از یکدیگر در نظر گرفت که اولی به پرسش «چه چیز باید آموزش داده شود و دومی به چگونه باید آموزش داده شود» می‌پردازد.
- ② **جانسون** نیز برنامه درسی را تنها دربردارنده نتایج یادگیری موردنظر می‌داند و بقیه تصمیم‌گیری‌ها را به جریان آموزش وامی‌گذارد این دیدگاه نسبتی است و طرفدارانی چند ندارد.



■ کلاین اظهار می‌دارد که از چند دلیل گرایش افراطی برنامه درسی به نظریه پردازی و جدا ماندن آن از حوزه حرفه‌ای و کاربردی از صحنه عمل، دوگانگی یا دوآلیسم میان برنامه درسی و آموزش است.

ب) برنامه درسی مربوط به جریان آموزش است؛ و وظیفه کارگزاران آموزش عملیاتی کردن عناصر برنامه درسی است. این نظریه دلالت بر هم‌پوشی قلمرو برنامه درسی دارد تا با ترسیم این پیوستار نشان می‌دهد چگونه تصمیم‌گیری‌های جریان طراحی برنامه درسی و آموزش از همدیگر متفاوت است و در عین حال همسو و هم‌جهت در طول یکدیگر و در یک پیوستار قرار می‌گیرند و معلم بایستی تصمیم‌گیری‌های کلی و کلان را به شکل عملیاتی درآورد.



■ مشاهده می‌شود نظریه حاکی از همپوشی میان تصمیم‌های گرفته شده در مرحله طراحی برنامه درسی و تصمیم‌های اتخاذ شده در مرحله آموزش، ورود به عرصه آموزش را به شکل کلی معتبر و مجاز می‌داند و تبدیل این تصمیم‌ها را در موقعیت‌های خاص آموزشی را به تصمیم‌های عملیاتی و مشخص به معلم یا کارگزار اصلی آموزش واگذار می‌کنند.

ج) برنامه درسی و جریان آموزشی همپوشی کامل با یکدیگر دارند و میان این دو نباید هیچ تفکیکی قائل شد و این نظریه دارای دو نوع نگرش می‌باشد یکی قائل به تفوق و تسلط کامل برنامه درسی بر جریان آموزش است و دیگری برعکس؛

✓ نوع اول زمانی اتفاق می‌افتد که تصمیم‌گیری‌ها مربوط به آموزش است و به آن برنامه درسی در مقابل معلم گفته می‌شود که این نظریه با شکست مواجه بوده و دلیل این شکست هم دخل و تصرف اجتناب‌ناپذیر معلم در جریان اجرای برنامه درسی دانسته‌اند.

✓ نوع دوم، زمانی اتفاق می‌افتد که قائل به آزادی عمل کامل دانش‌آموز باشند و تأکید بر واگذاری تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی به جریان علمی تعامل میان معلم و دانش‌آموز در کلاس درس می‌باشد.

■ پیشرفت‌گراها از این نظریه حمایت کرده همچون «ولمنوف- مک دورلد» زرت و هر نوع تصمیم‌گیری از قبل برای دانش‌آموز مردود شمرده می‌شود و علایق و تجربه‌های گذشته و تمایلات ابراز شده دانش‌آموزان باید مبنای تصمیم‌گیری قلمداد شود.

نکته برتره؛ برنامه درسی از این نوع را به برنامه درسی روئیدنی یا متکی به موقعیت‌های پیش‌بینی نشده یا مبتنی بر تجربه نام می‌برند انتقاد به این نظریه نیز به دلیل تکیه انحصاری برخواست‌ها و تمایلات دانش‌آموزان و تأکید بر تجربه‌های بالفعل آن‌هاست و از مهم‌ترین منعقدان آن دیویی است و پیشرفت‌گراها و مواضع این نهضت را افراطی و متکی به نوع «احترام خرافی» برای یادگیرندگان ارزیابی می‌کنند و این رویکرد نیز کارایی لازم را نخواهد داشت.